

مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۳، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۳

شاپای چاپی: ۲۳۲۲-۲۴۱۵ | شاپای الکترونیکی: ۲۳۸۳-۲۴۹۵

<http://jrpp.um.ac.ir>

## بررسی توانمندی زنان روستایی در بهبود امنیت غذایی خانوار در شهرستان دیواندره

مسلم سواری<sup>۱</sup> - حسین شعبانعلی فمی<sup>۲\*</sup> - ژیلدا دانشور عامری<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲- دانشیار مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳- استادیار مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۰۲ | صص: ۱۰۷-۱۲۱ | تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۰۴/۱۴

### چکیده

**هدف:** با توجه به نقش با اهمیت زنان روستایی در امنیت غذایی هدف اصلی این پژوهش شناسایی توانمندی زنان روستایی در بهبود امنیت غذایی بود.

**روش:** داده‌های مورد نیاز تحقیق از طریق پرسشنامه از میان زنان متأهل روستایی شهرستان دیواندره گردآوری شد که ۲۱۳ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب گردید روایی پرسشنامه از طریق پانل متخصصان امنیت غذایی و اعضای هیئت علمی گروه مدیریت و توسعه کشاورزی و پایایی آن از طریق آلفای کرباخ و پایایی ترکیبی مورد تأیید قرار گرفت.

**یافته‌ها:** نتایج تحقیق نشان داد که خانوارهای مورد مطالعه از نظر امنیت غذایی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند همچنین، نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که بین تمامی ابعاد توانمندی (اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی) زنان روستایی با امنیت غذایی خانوار آنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. علاوه بر این، نتایج مدلسازی معادلات ساختاری پژوهش نشان داد که ابعاد توانمندی زنان روستایی با ضریب تبیین ۸۳ درصد (0.91, 10.90) اثر مثبت و معنی‌داری بر امنیت غذایی خانوار دارد.

**راهکار عملی:** به دلیل ضعف مالی زنان روستایی پیشنهاد می‌شود در زمینه‌ی بهبود توانمندی زنان روستایی و دسترسی آنان به اعتبارات و منابع مالی از طریق ایجاد و توسعه تعاونی‌ها و موسسه‌های اعتباری خرد که از تأمین وام‌های کوچک برای زنان روستایی کم درآمد حمایت می‌کنند بسیار توصیه می‌گردد.

**اصالت و ارزش:** در پژوهش حاضر توانمندی‌های زنان روستایی در ابعاد مختلف که در بهبود امنیت غذایی تأثیرگذار است شناسایی شد نتایج این پژوهش می‌تواند به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه روستایی جهت بهبود وضعیت امنیت غذایی در جوامع روستایی کمک شایانی نماید.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت غذایی، توانمندی زنان، وضعیت تغذیه، زنان روستایی، شهرستان دیواندره.

\* نویسنده مسئول: Email: hfami@ut.ac.ir این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان بررسی توانمندی زنان روستایی در بهبود امنیت

غذایی در شهرستان دیواندره به راهنمایی جناب آقای دکتر حسین شعبانعلی فمی و مشاوره خانم دکتر ژیلدا دانشور عامری انجام شد.

## ۱. مقدمه

## ۱.۱. طرح مسئله

وضعیت تغذیه هر فرد و جامعه به عوامل متعددی از جمله عوامل فیزیکی، فیزیولوژیکی، فرهنگی، تکنولوژیکی، میزان درآمد، تعداد افراد خانوار، سطح تحصیلات، عوامل مذهبی، اکولوژیکی و غیره بستگی دارد. نوع و مقدار غذای مصرفی نژادها و فرهنگ‌های اجتماعی مختلف متفاوت است به طوری که کشورهای صنعتی دارای الگوی مصرفی با ویژگی مصرف زیاد غذاهای حیوانی (گوشت، تخم‌مرغ، ماهی، شیر و چربی‌های حیوانی) هستند در حالی که در کشورهای در حال توسعه عمده غذای مصرفی غذاهای گیاهی می‌باشد (رابینسون، ۱۳۷۸، ص. ۲۱). داشتن برنامه غذایی مناسب و فعالیت فیزیکی منظم می‌تواند به پیشگیری از بیماری‌های قلبی و عروقی، سکت، فشار خون، دیابت قندی غیر وابسته به انسولین، استئوپروز، چاقی و برخی از سرطان‌ها و مشکلات سلامتی دندان‌ها کمک کند (ماهان، آرلین و کروژ، ۱۹۹۲، ص. ۲۵۹). مطالعه الگوی مصرف مواد غذایی، سبب شناخت و ارزیابی وضعیت آن در جامعه شده و چگونگی مصرف منابع حیاتی و توزیع و دسترسی به مواد غذایی را نشان می‌دهد (اومونونا و آگویی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷، صص. ۳۹۷-۴۰۶). مطالعات صورت گرفته در ایران نشان می‌دهد که ۶۵٪ انرژی و بیش از نصف پروتئین در کشور از غلات تأمین می‌شود نان و غلات بیشترین درصد مصرف فرد را در بین گروه‌های غذایی در خانواده‌های روستایی دارد و بقیه گروه‌های غذایی، مثل شیر، لبنیات و گوشت به ترتیب در رده‌های بعدی مصرف قرار داشتند (کشاورز، ۱۳۸۹، ص. ۴۲). افراد روستایی مثل بقیه افراد جامعه ممکن است دریافت مواد غذایی کافی نداشته باشند. در هندوستان برآورد شده است که کالری حاصل از پروتئین فقط برای ۶۰ درصد جمعیت روستایی کافی است و ۴۰ درصد جمعیت روستایی از سوءتغذیه رنج می‌برند (مسرف<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴، ص. ۲۹۴). بررسی‌های انجام شده در ایران به منظور شناسایی علل بوجود آورنده مشکل تغذیه در کشور نشان داده است که بخش اعظم مبتلایان به مشکلات تغذیه‌ای در روستا زندگی می‌کنند و عمده مشکلات آنان به کمبود کالری، پروتئین، ویتامین و نیز آنمی<sup>۴</sup> ناشی از فقر آهن و بیماری گواتر ناشی از کمبود ید می‌باشد بنابراین جامعه روستایی ایران اغلب با مشکلات ناامنی غذایی دست‌وپنجه نرم می‌کند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱). در واقع امنیت غذایی به دسترسی همه مردم در تمامی اوقات به غذای کافی برای داشتن یک زندگی سالم تعریف

شده است (فائو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸). این در حالی است که ناامنی غذایی سد عظیمی فرا روی رفاه و توسعه‌یافتگی است و چنان چه به صورت ریشه‌ای و جدی چاره‌اندیشی نشود بی‌شک بشریت آینده مبهم پیش‌رو خواهد داشت. مسئله امنیت غذایی مرزها را در هم می‌شکند و جهان‌شمول می‌شود؛ بنابراین، حذف گرسنگی و سوءتغذیه باید جایگاه مهمی را در افکار و اندیشه‌های بشری باز یابد و بهبود امنیت غذایی باید به عنوان هدفی کلیدی در تکامل انسان پذیرفته شده و از محورهای سیاست‌ها، اولویت‌ها و برنامه‌های توسعه قلمداد گردد (شیخ‌الاسلام، ۱۳۹۱). مطالعات مختلف نشان می‌دهند که زنان در تولید، فراوری و مصرف مواد غذایی به صورت گوناگون مشارکت دارند و انعکاس فعالیت آنان در رابطه با تولید روزافزون است. با وجود این فعالیت‌ها توانمندی آنان در دستیابی به امنیت غذایی در جهان به مقدار کمتری ارزش‌گذاری شده است و از توانمندی‌های آنان جهت بهبود امنیت غذایی استفاده‌ای به عمل نمی‌آید (علی‌شاهی، بهرامی، مهنه و سلطانی، ۱۳۸۶، صص. ۱۳-۲۶). زنان را می‌توان از جمله گروه‌های اجتماعی تأثیرگذار در زندگی روستایی بشمار آورد وضعیت زنان به گونه‌ای است که کارهای خانه‌داری و کارهای تولیدی را با هم انجام می‌دهند، زنان روستایی که در عین حال خانه‌دار هستند و در نگهداری و تربیت اطفال وظیفه مهمی بر عهده دارند در امور زراعی، پرورش دام و طیور، صنایع دستی و گاه در فروش محصول و خرید مایحتاج خانواده فعالیت‌های مختلفی انجام می‌دهند (سبکبار فرجی، خاکی و نعمتی، ۱۳۸۸، صص. ۱۶۰-۱۷۲). بر اساس تحقیقات به عمل آمده حدود ۴۰ درصد از تولید محصولات کشاورزی را زنان بر عهده دارند و لذا توجه به زنان روستایی، توجه به ارتقاء و بهره‌وری است ولی متأسفانه در اکثر کشورهای در حال توسعه به فراموشی سپرده شده است، در هر حال تلاش جهت توانمندسازی زنان به عنوان یکی از عناصر مهم در توسعه (از تمام جوانب) ضروری به نظر می‌رسد، در واقع قدرت‌سازندگی و خلاقیت در این افراد باید از طریق بهبود توانمندی‌های آن‌ها به گونه‌ای افزایش یابد که خود در جریان این فرآیند به عاملانی اثربخش برای ایجاد تغییر و دگرگونی مبدل شوند (پیشوایی و فردین، ۱۳۸۰، ص. ۱۸). خدمات زنان به تولیدات کشاورزی و امنیت غذایی خانواده‌ها در کشورهای مختلف متفاوت است؛ اما در بسیاری از کشورها کمک‌های زنان بسیار زیاد می‌باشد مشارکت زنان در بخش کشاورزی در مناطقی که مردان به علت خشکسالی به شهرها مهاجرت می‌کنند قابل توجه می‌باشد و آنان در بعضی از کشورها

در مطالعات مختلف به اهمیت توانمندی‌های زنان در امنیت غذایی اشاره کرده‌اند که از این مطالعات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. در پژوهشی در نیجریه در مورد رابطه امنیت غذایی با فعالیت‌های غیر زراعی انجام شد نتایج این تحقیق نشان داد که فعالیت‌های غیر زراعی با تأثیر در توانمندی اقتصادی زنان روستایی در نهایت بر امنیت غذایی خانوار تأثیرگذار است بنابراین، توانمندی اقتصادی تأثیر معنی‌داری در بهبود امنیت غذایی دارند (باباتوندی، اوموتشو و شولوتان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰، صص. ۴۹-۵۱). در مطالعه‌ای که بین دسترسی و کنترل مادر خانوار بر منابع مالی و تولیدی خانوار به عنوان ابعاد توانمندی اقتصادی زنان با امنیت غذایی انجام شد نتایج نشان داد که تأثیر مثبت و معنی‌داری بین این مؤلفه‌ها با امنیت غذایی خانوار وجود دارد (مووسسئیای و اینستیتوت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹، صص. ۴-۱۱). مطالعه‌ای در زمینه‌ی بررسی نقش تعاونی در امنیت غذایی به این نتیجه رسیدند که تعاونی‌های زنان با تأثیرگذاری بر توانمندی‌های اقتصادی و اجتماعی آنان در امنیت غذایی تأثیرگذار است (برنستین و دورست-لاتی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳، صص. ۱-۲۲). در پژوهشی در آفریقا به این نتیجه رسیدند زنان روستایی که در تشکل روستایی و مشارکت بالایی در فعالیت‌های تولیدی دارد از امنیت غذایی بالاتری برخوردار هستند (دیاو، هازل، رسنیک و ثورلو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷، صص. ۱۵۲-۱۷۳).

در مطالعه‌ای در زمینه‌ی بررسی توانمندی زنان روستایی و امنیت غذایی انجام شد در این پژوهش سه بعد از توانمندی زنان یعنی اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی زنان را شناسایی شد (سی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱، صص. ۱۲). نامنی غذایی به عنوان یک معضل جهانی توجه بسیاری از مطالعات را به خود جلب کرده است از جمله آلیمو و همکارانش در طی مطالعه‌ای به این نتیجه رسید که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین توانمندی اقتصادی زن خانوار با امنیت غذایی وجود دارد (آلیمو، اولسون و فرانگیلو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱، صص. ۱۱۶۱-۱۱۶۷). در تحقیقی در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی در جامعه روستایی به این نتیجه رسیدند که بخش اعظم این ناامنی غذایی به پایین بودن ابعاد و مؤلفه‌های مختلف توانمندی زنان بر می‌گردد (اولسون، اندرسون، کیس، لاوارنس و سیلینگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴، صص. ۱۲-۲۰). در پژوهشی در زمینه‌ی امنیت غذایی خانوار در کشور آمریکا به این نتیجه رسیدند که زنانی که خوداشتغالی دارند به نوعی از اعتماد به نفس بالاتری برخوردار بوده‌اند بنابراین، خانوار آنان از امنیت غذایی بالاتری برخوردار هستند (نورد، اندرو و کارلسون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴، صص. ۱۲۴-۱۴۳). در مطالعه‌ای که در زمینه‌ی ناامنی غذایی زنان روستایی به این نتیجه رسیدند که از

وظایف سخت و تکراری در تمام طول سال را انجام می‌دهند (دوپلر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲، صص. ۱۲). بنابراین، زنان روستایی نقش کلیدی، به خصوص در مواقع بحرانی و در تضمین سلامت و امنیت غذایی ایفا می‌کنند. لیکن با وجود نقش و سهم مهم این قشر از جامعه جهت تأمین مواد غذایی در جهان، غالباً در راهبردهای توسعه مورد کم توجهی یا بی‌توجهی قرار می‌گیرند (کلمن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹، صص. ۱۴-۲۵). این در حالی است که همیشه توانایی زنان روستایی به میزان بسیار کمتری ارزش‌گذاری شده است و از توانایی‌های زنان برای ساختن زندگی بهتر خود، خانواده و اجتماع به درستی استفاده نشده است (کوئینگ، سیف‌الدین و موزامدر<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳، صص. ۱۱۷-۱۲۵). با وجود تلاش‌های زیاد برنامه‌ریزان توسعه هنوز نتوانسته‌اند که از توان موجود و بالقوه زنان در فرایند توسعه استفاده کنند چرا که امکانات توزیع شده برنامه‌های توسعه اغلب به دست زنان روستایی نرسیده است، در این برنامه‌ها اغلب مردان را به عنوان تولیدکنندگان کشاورزی شناخته‌اند و توجه کافی به زنان روستایی نشده است. بنابراین، یکی از عوامل عقب ماندن و محرومیت زنان روستایی در برنامه‌های توسعه نبود شناخت کافی از میزان توانمندی زنان روستایی است (سواری، معمت‌الله و کلاتری، ۱۳۹۰، صص. ۱۲۸-۱۴۶). لذا با توجه به اهمیت نقش زنان روستایی در بهبود امنیت غذایی خانوار لازم است که توانمندی‌های آنان در این زمینه شناخت تا بتوان بر اساس نتایج به دست آمده برنامه‌ریزی اصولی و منطقی برای بسط و بهبود توانمندی زنان در امنیت غذایی در سطح کشور انجام داد. در این راستا این تحقیق با هدف کلی شناسایی توانمندی زنان روستایی در بهبود امنیت غذایی خانوار در شهرستان دیواندره انجام شد جهت نیل به آن اهداف اختصاصی زیر دنبال می‌شود.

- ۱- بررسی ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای زنان روستایی مورد مطالعه.
- ۲- بررسی توانمندی اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی زنان در بهبود امنیت غذایی خانوار.
- ۳- بررسی وضعیت امنیت غذایی در جامعه روستایی شهرستان مورد مطالعه.
- ۴- بررسی روابط بین ابعاد توانمندی اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی با امنیت غذایی خانوار.
- ۵- تأثیر توانمندی اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی بر امنیت غذایی خانوار.

## ۲.۱. پیشینه تحقیق

غرب با مریوان و از جنوب با سنندج همسایه است. این شهرستان با مساحتی معادل ۴۲۰۳ کیلومترمربع حدود ۱۵ درصد از وسعت کل استان کردستان را شامل می‌شود که دارای سه بخش و نه دهستان است و با جمعیتی معادل ۶۵۶۵۹ نفر می‌باشد که از این تعداد ۱۵۴۲۱ نفر را زنان متأهل روستایی تشکیل می‌دهند. به نقل از معاون دانشگاه علوم پزشکی استان کردستان، ۶۸ درصد از جمعیت شهرستان دیواندره دارای اضافه وزن و عادات غذایی ناصحیح می‌باشد به طوری که ۸۸ درصد از جمعیت این شهرستان ماهی و ۲۸ درصد نیز اصلاً میوه و سبزی مصرف نمی‌کنند همچنین، میانگین سرانه چربی و روغن‌ها از میانگین کشوری بالاتر است به طوری که ۳۶ درصد زنان و ۵۹ درصد از مردان این شهرستان در گروه سنی ۴۵ تا ۶۵ سال مبتلا به فشار خون بالا و ۴۰ درصد از زنان و ۳۳ درصد مردان نیز در همین گروه سنی مبتلا به دیابت هستند. همچنین جامعه روستایی شهرستان دیواندره نیز از این قاعده مستثنی نبوده و با کمبود انواع ریز مغذی‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند همچنین، خانوارهای روستایی این شهرستان ۷۰ درصد آهن مورد نیاز و ۶۴ درصد از جمعیت کل جامعه روستایی آن نیاز روزانه ویتامین A را دریافت نمی‌کنند؛ بنابراین، گزارش‌ها نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب مصرف مواد غذایی و در نهایت ناامنی غذایی است به طوری که اکثریت غذاهای مصرفی جامعه روستایی این شهرستان بیشتر جنبه سیری شکمی دارد تا سیری سلولی، بنابراین، بررسی وضعیت امنیت غذایی و توانمندی زنان روستایی به عنوان مدیران خانه و کسانی که در تهیه، پخت و آماده‌سازی غذا نقش اصلی را ایفا می‌کنند ضرورت دارد تا با بررسی این توانمندی‌ها زمینه بهبود آن و در نهایت ارتقاء امنیت غذایی کمک کرد.

## ۲.۲. روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی، از نظر امکان کنترل متغیرها غیرآزمایشی، از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها میدانی به شمار می‌رود. با توجه به محدوده زمانی، این تحقیق تک مقطعی بوده و داده‌ها و اطلاعات در یک مقطع زمانی (اردیبهشت ۱۳۹۲) گردآوری شده‌اند. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان متأهل روستایی شهرستان دیواندره (استان کردستان) بوده است (N=15421). با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۱۶۱ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند، اما برای افزایش اعتبار یافته‌ها ۲۳۰ پرسشنامه با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی توزیع شد و در نهایت تعداد ۲۱۳ پرسشنامه به صورت کامل تکمیل و دریافت شد. ابزار اصلی تحقیق، پرسشنامه‌ای محقق

جمله دلایل ناامنی غذایی زنان عدم دستیابی و کنترل بر منابع مالی و تولیدی خانوار، عدم عضویت در تشکل‌ها، فاقد پس‌انداز شخصی و عدم دستیابی به شغل مناسب است (هلفین، سیفرت و ویلیامز<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۵، صص. ۱۹۷۱-۱۹۸۲). در پژوهش دیگری در این زمینه، میان دانش (آگاهی) تغذیه‌ای مادر و وضعیت تغذیه‌ای کودک در روستای ولتا انجام شد نتایج نشان داد که دانش تغذیه‌ای مادر و پس‌انداز او به طور مستقیم از متغیرهای مهم در ارتباط با وضعیت تغذیه‌ای کودک بود (یا پو و استراکاکر کلینگ<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۵، صص. ۱۰۰-۱۱۰). گودرزی، شادی‌طلب و طالب (۱۳۸۷) در پژوهشی در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در جامعه روستایی به این نتیجه رسیدند که بین امنیت غذایی و متغیرهای نظام تولیدی خانوار، مقدار زمین زراعی و باغی و خانوار، اندازه واحدهای دامی، تعداد افراد شاغل، درآمد خانوار، تحصیلات زنان روستایی و توانایی تصمیم‌گیری مادر خانوار رابطه معنی‌داری وجود دارد. صفر خانلو و محمدی‌نژاد (۱۳۸۹) در بررسی وضعیت شاخص‌های امنیت غذایی به این نتیجه رسیدند که شاخص امنیت غذایی در مناطق شهری در مقایسه با مناطق روستایی به شدت کاهش یافته و خط فقر به سرعت افزایش داشته و در نهایت شاخص امنیت غذایی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های مطالعه روند مشخص نداشته و دارای فراز و نشیب زیادی بوده است. در مطالعه دیگری که توسط شرفخانی، دستگیر، قره‌آغاچی اصل و قوام‌زاده (۱۳۹۰) انجام شد به این نتیجه رسیدند که مهمترین عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی در میان زنان شامل زمین تحت تملک، درآمد خانوار، تعداد افراد خانواده، سن مسئول تغذیه خانوار، پس‌انداز شخصی، تک سرپرستی و غیره می‌باشد. در تحقیق دیگری که به بررسی رابطه ناامنی غذایی با برخی از عوامل اجتماعی - اقتصادی پرداخته شد به این نتیجه رسیدند که تحصیلات بالاتر مادر، جایگاه شغلی بالاتر سرپرست خانوار، مالکیت واحد مسکونی و امتیاز بالاتر امکانات و تسهیلات زندگی با ناامنی غذایی ارتباط مستقیمی داشته و با افزایش بعد خانوار، ناامنی غذایی در نیز روند فزونی پیدا می‌کند (پیاب، درستی‌مطلق، اشراقیان، سیاسی و کریمی، ۱۳۹۰، صص. ۷۵-۸۴).

## ۲. روش‌شناسی تحقیق

### ۱.۲. قلمرو جغرافیایی تحقیق

شهرستان دیواندره در فاصله ۹۸ کیلومتری شمال سنندج با وسعت ۴۲۰۳ کیلومترمربع و با ۱۸۵۰ متر ارتفاع از سطح دریا قرار دارد. از شمال با تکاب، از شرق با بیجار، از شمال غربی با سقز، از

زنان نسبت به قدرت بین فردی، نگرش جنسیتی به کار) در قالب طیف لیکرت (۱- خیلی کم تا ۵- خیلی زیاد) مورد سنجش قرار گرفت. جهت تعیین روایی پرسشنامه از روایی سازه، با محاسبه میانگین واریانس استخراجی و روایی محتوایی، شامل پانل متخصصان که شامل متخصصان امنیت غذایی و اعضای هیئت علمی گروه مدیریت و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران بودند، استفاده شد و بر اساس نظرات و پیشنهادهای آنان اصلاحات لازم در پرسشنامه به عمل آمد. به منظور برآورد پایایی پرسشنامه از آزمون ضریب آلفای کرونباخ شد. (جدول شماره ۱). با توجه به مقادیر جدول می‌توان گفت که ابزار پژوهش از دقت لازم و کافی برخوردار می‌باشد.

ساخته بود. این پرسشنامه شامل سه قسمت اصلی به شرح زیر بوده است: (الف) شامل ۱۳ گویه مربوط به ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی (ب) شامل ۱۸ گویه جهت بررسی وضعیت امنیت غذایی، جهت سنجش این قسمت پرسشنامه استاندارد وزارت کشاورزی آمریکا استفاده شد (دپارتمان کشاورزی آمریکا<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۸، صص. ۳۷-۴۴). (ج) شامل سه بخش توانمندی زنان روستایی یعنی: توانمندی اقتصادی که این بعد خود شامل مؤلفه‌های (پس‌انداز شخصی، مشارکت در فعالیت‌های تولیدی خانوار، دسترسی و کنترل بر منابع مالی و تولیدی خانوار)، توانمندی اجتماعی (شامل مؤلفه‌های مشارکت در تصمیم‌گیری خانوار، عضویت در تشکلهای، همکاری و تعاون با اهالی روستا و مشارکت در ارتقاء امنیت غذایی) و توانمندی روان‌شناختی (شامل ابعاد میزان اعتماد به نفس زنان، میزان خود اثربخشی زنان، ادراک

#### جدول ۱- مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

منابع شاخص‌ها	مقدار آلفا	تعداد گویه	متغیر
-	۰/۸۲	۱۸	* امنیت غذایی
باتوندی و همکاران، ۲۰۱۰ مووسسنیای و همکاران، ۲۰۰۹ آلایموو همکاران؛ ۲۰۰۱ یا اپو و همکاران، ۲۰۰۵ مرکوری و همکاران، ۱۹۹۸ گودرزی و همکاران، ۱۳۸۷ شرفخانی و همکاران، ۱۳۹۰ پیاب و همکاران، ۱۳۹۰	۰/۹۰ ۰/۸۳ ۰/۸۴ ۰/۸۰ -	۲۶ ۱۲ ۸ ۵ ۱	* توانمندی اقتصادی - مشارکت در فعالیت‌های تولیدی - کنترل به منابع مالی - دسترسی به منابع مالی - پس‌انداز شخصی
برتستین و همکاران، ۲۰۱۱ دیگو و همکاران، ۲۰۰۷ هفلین و همکاران، ۲۰۰۵ پیاب و همکاران، ۱۳۹۰ دینی ترکمانی، ۱۳۸۲ خضری، ۱۳۸۲ هات، ۱۳۷۶	۰/۹۱ ۰/۷۱ ۰/۷۶ ۰/۸۱ ۰/۷۲	۲۸ ۷ ۶ ۸ ۷	* توانمندی اجتماعی - مشارکت در تصمیم‌گیری خانوار - عضویت در تشکلهای - مشارکت در ارتقاء امنیت غذایی - همکاری و تعاون با سایر اهالی روستا
نورد و همکاران، ۲۰۰۴ ریلی، ۱۹۹۹ مرکوری و همکاران، ۱۹۹۸ دینی و ترکمانی، ۱۳۸۲ ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳	۰/۸۶ ۰/۷۹ ۰/۷۶ ۰/۷۷ ۰/۸۰	۲۹ ۸ ۷ ۸ ۶	* توانمندی روان‌شناختی - میزان اعتماد به نفس زنان - میزان خود اثربخشی زنان - ادراک زنان نسبت به قدرت فردی - نگرش جنسیتی به کار

درصد، ضریب تغییرات و در بخش آمار استنباطی از ضریب همبستگی و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد.

تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزارهای SPSSWin18 و LISREL8.54 انجام شد. در بخش آمار توصیفی از میانگین،

### ۳. مبانی نظری

امنیت غذایی به معنای علمی، روشی است حساب شده برای رفع مشکلات غذا و تغذیه و چارچوب تعریف شده‌ای برای برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه می‌باشد. تاریخچه بحث امنیت غذایی به بیش از ۵۰ سال پیش و اعلامیه‌های حقوق بشر در سازمان ملل متحد برمی‌گردد (فائو، ۲۰۰۱، ص. ۴). سه الگوی امنیت غذایی که در جوامع روستایی مطرح است عبارتند از:

#### ۳.۱. الگوی نئوکلاسیک

در دهه‌های آخر قرن نوزدهم به طور فزاینده‌ای موضوع تجزیه و تحلیل رشد بلندمدت و تخصیص کارآمد منابع مورد توجه اغلب اقتصاددانان اروپایی قرار گرفت. اینکه چگونه باید منابع را به مصارف گوناگون تخصیص داد و برای آنکه ارزش محصول تولید شده از مقدار معین منابع حداکثر شود چه معیارهایی باید برآورد شود. به عبارت دیگر، تجزیه و تحلیل اقتصادی بیشتر بر نحوه تصمیم‌گیری بنگاه‌ها و مصرف‌کنندگان نقش نیروهای بازار در تخصیص منابع متمرکز گردید (هانت، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۱). به طور خلاصه در این الگو آن چه در وهله اول مورد تأکید قرار می‌گیرد کارایی انباشت سرمایه از طریق تدوین و اجرای سیاست‌هایی است که به رشد بخش‌های صنعت و کشاورزی بیانجامد. در وهله دوم: در بلندمدت با افزایش برابری سهم‌بری عوامل تولید، سهم درآمدی خانوار کم درآمد بهبود پیدا می‌کند و با افزایش انباشت سرمایه و ایجاد اشتغال، سطح درآمد اولیه این خانوارها بیشتر و در نتیجه امکان دسترسی آن‌ها به نیازهای اساسی از جمله مواد غذایی ممکن می‌شود. پژوهش‌های متعدد بانک جهانی نشان داده است که علی‌رغم افزایش قابل توجه تولید و عرضه مواد غذایی در سطح ملی در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته، کاهش معنی‌داری در ناامنی غذایی دیده نشده است. نتیجه‌گیری آنان این است که ناامنی غذایی و گرسنگی بیشتر حاصل فقر است تا نتیجه مشکل تولید و عرضه غذا (مک کلندن، ۲۰، ۱۹۹۸، ص. ۱۴۵-۱۴۷). دسترسی به غذا مستلزم این است که کلیه خانوارها و اعضای آن عوامل تولیدی و درآمد کافی و مناسب برای به دست آوردن یک خوراک مغذی را داشته باشند. در واقع دستیابی اقتصادی به امنیت غذایی به وسیله عواملی چون فقر و قدرت خرید تحت تأثیر قرار می‌گیرد. یعنی دسترسی اقتصادی تابعی از درآمد و قیمت است (ایستدسا، ۲۰۰۹، ص. ۲).

#### ۳.۲. الگوی نیازهای اساسی

در واسط دهه ۱۹۷۰ شواهد فراوانی در مورد عمق فقر توده‌ها در بسیاری از کشورهای جهان سوم در دسترس قرار داشت به گونه‌ای که تأثیر چنین شواهدی در غرب، به دلیل انتشار گزارش‌هایی در مورد مرگ‌ومیر و انسان در دوره قطعی ساحل (۷۴-۱۹۷۳) رفته رفته تشدید گردید. عمده نگرانی‌ها و دل‌مشغولی این بود که چه بسا سیاست‌های توزیع مجدد همراه با رشد، نتواند افزایش رفاه فقیرترین اقشار یک مجموعه ۸۰۰ میلیونی را که در فقر مطلق و عمدتاً در کشورهای درحال توسعه به سر می‌برند تأمین نمایند (هانت، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۱).

در این شرایط که الگوی نیازهای اساسی ظهور یافت و نگاه خویش را به درمانده‌ترین اقشار فقیر معطوف نمود، یعنی الگوی توسعه اقتصادی تنها مشتمل بر رشد اقتصادی نیست، بلکه تضمین پیشرفت یکنواخت و ملموس و به سمت حذف فقر و گسترش پایدار فرصت‌های شغلی و درآمد فقیران می‌باشد. در این الگو استراتژی توسعه بر اثر تجدید ساختار تقاضای داخلی افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری حاصل می‌شود. بنابراین، مهم‌ترین سیاست‌هایی که توسط این الگو پیشنهاد می‌شود عبارتند از:

الف) حذف موانع مالی، نهادی و قانونی که مانع گسترش واحدی تولیدی کوچک و کاربر می‌شود.  
ب) استفاده از مجموعه‌ای از ابزارهای سیاست‌گذاری برای افزایش تولیدی در مزارع کوچک مانند اصلاحات اراضی، تحقیقات کشاورزی، اعطای اعتبارات، بازاریابی  
ج) بکارگیری منابع بیشتر برای تحقیق در مورد توسعه تکنولوژی‌ها و روش‌های ارائه خدمات عمومی، به منظور افزایش رفاه تهیدستان (دینی ترکمانی، ۱۳۸۲، ص. ۹۵۹-۹۶۳). در اواسط دهه ۱۹۵۰ با ارائه پیشنهادهایی از سوی برخی بنیادها من جمله بنیاد داگ هامر شولد و بعد از بحث‌های بسیار در امر سیاست‌گذاری، در گزارش مدیر کلی سازمان بین‌المللی کار به اجلاس اشتغال جهانی در سال ۱۹۷۶ مفهوم نیازهای اساسی در چهار مقوله مشخص و سال ۲۰۰۰ نیز به عنوان تاریخ نهایی برای تأمین نیازها عنوان شد. این چهار مقوله عبارتند از:

الف) حداقل نیازهای مصرفی خانواده، یعنی غذا، مسکن و پوشاک  
ب) برخورداری از خدمات اساسی مثل آب آشامیدنی  
سالم، بهداشت، حمل‌ونقل، سلامت و آموزش و پرورش  
ج) دسترسی به شغل با مزایای مکفی برای هر فردی که توانایی و تمایل به کار کردن دارد  
د) تأمین نیازهایی که بیشتر ماهیت کیفی دارند، مثل برقراری محیطی سالم و دلپذیر و مشارکت

عمومی مردم در تصمیم‌گیری‌هایی که زندگی و آزادی‌های فردی آنان اثر می‌گذارد (هانت، ۱۳۷۶، ۱۲۱). براساس این الگو، تدارک بستر قانونی<sup>۵</sup> نهادی ایجاد اشتغال مطمئن و با پرداخت کافی نقش مؤثری در تأمین امنیت غذایی افراد و خانوار دارد. نرخ بیکاری بالا و به تبع آن کسب درآمدهای پایین ریسک ناامنی غذایی افراد و خانوار را افزایش می‌دهد. این امر نه تنها مشارکت فعال و پویای آن‌ها در جامعه را تحلیل خواهد برد، بلکه آنها را به لحاظ ذهنی نیز در معرض آسیب‌پذیری مداوم قرار می‌دهد (خضری، ۱۳۸۲: ۴-۸۹۳).

### ۳.۳. الگوی توسعه انسانی

براساس این الگو توسعه انسانی، مردم ثروت واقعی ملت‌ها هستند و هدف بنیادین توسعه خلق شرایطی است که امکان یک زندگی طولانی، همراه با سلامتی و خلاقیت را برای مردم فراهم می‌سازد. از این رو بسیاری از دستاوردهای توسعه و ارقام کلی درآمد (ملی) و یا نرخ رشد آن، آن‌ها را به طور دقیق نشان نمی‌دهد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: تغذیه بهتر، خدمات بهداشتی افزون‌تر، دسترسی بیشتر به دانش و آگاهی، سکونتگاه‌های مطمئن‌تر، شرایط کاری مناسب‌تر، امنیت در مقابل تعدی و صدمات جسمی، لذت بردن از اوقات فراغت و احساس مشارکت در فعالیت‌ها و حیات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه (گودرزی و همکاران، ۱۳۸۷، صص. ۱۰۱-۱۳۵). توسعه انسانی روندی است که در آن امکانات مردمان گسترش می‌یابد. از اساسی‌ترین این امکانات عبارتند از: داشتن امکانات زندگی طولانی و توأم با سلامتی، فرا گرفتن دانش و برخورداری از سطح زندگی توسعه انسانی دارای دو جنبه است: یکی شکل‌گیری قابلیت‌های انسانی مانند سلامتی، دانش و مهارت بهتر و دیگری استفاده‌ای که مردم از می‌توانند از قابلیت‌های خویش برای اوقات فراغت، دنبال کردن اهداف سازنده، فعالیت در امور اجتماعی، فرهنگی<sup>۶</sup> سیاسی ببرند. اگر توسعه انسانی نتواند این دو جنبه را متعادل سازد به احتمال زیاد زندگی انسانی در سطح وسیعی دچار رکود و زوال خواهد شد (اشرفی، ۱۳۶۹، صص. ۷۰-۷۱). در بحث چگونگی اندازه‌گیری و سنجش توسعه انسانی علیرغم شاخص‌های عدیده‌ای که می‌توانند در ارتباط با توسعه انسانی مطرح شوند و از طرفی به دلیل فقدان آمارهای لازم به خصوص در مورد بخش‌های توسعه نیافته جهان، پیشنهاد شده که فقط بر روی سه شاخص کلیدی طول عمر، سطح دانش و سطح معاش آبرومند تأکید شود و مطرح شده که این سه شاخص بسیاری از ابعاد و جنبه‌های

مربوط به کیفیت زندگی را در بر می‌گیرد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، صص. ۱۲۶-۱۴۲). فرایند توسعه اقتصادی باید با آنچه که افراد توان انجام دادنش را دارد (یا ندارد) سروکار داشته باشد و به این نکات هم توجه کند که آیا آنان قادر به داشتن طول عمر طولانی هستند؟ آیا قادرند خود را از بیمارها دور نگه دارند؟ آیا قادر به داشتن تغذیه مناسبی هستند؟ آیا قادر به خواندن، نوشتن و برقراری ارتباط هستند؟ آیا در فعالیت‌های علمی و ادبی می‌توانند شرکت کنند؟ و الی آخر (سن، ۱۳۷۴، ص. ۱۴۲). در عین حال، این الگو با تأکید بر جنبه‌های عاملیت انسانی در فرایند توسعه، ضمن تأکید بر نقش ارزش والای انسانی از جمله آزادی و برابری مشارکت در امور جمعی، براه‌گذاری افزایش ظرفیت و قابلیت افراد جامعه در تدبیر امور جمعی جامعه خود نیز تأکید می‌کند. برای مثال، در حالی که مفاهیم سرمایه انسانی یا مدیریت منابع انسانی بیشتر با نقش عاملی فرد در فرایند تولید سروکار دارد. مفهوم توسعه انسانی به نقش عاملی فرد در عمل جمعی یا اثرگذاری بر فرآیند سیاسی و اجتماعی نیز تأکید دارد. که مستلزم شکل‌گیری انجمن‌ها و دهیاری‌ها، گفتگو ارتباطات عمومی و غیره است. از این نکته این نتیجه مهم حاصل می‌شود که فرایند توسعه واقعی، فرایندی است که با تأمین حقوق دموکراتیک افراد، زمینه را برای ایفای نقش عاملی افراد فراهم‌تر می‌کند (دینی و ترکمانی، ۱۳۸۲، صص. ۹۵۹-۹۶۳). براساس مؤلفه‌های دانش و آگاهی ارائه شده در این الگو، دستیابی به امنیت غذایی تابعی از عوامل محیطی و عوامل اجتماعی<sup>۷</sup> فرهنگی می‌باشد در این عوامل توانایی و کارآمدی افراد و خانوارها جهت بهره‌برداری از منابع برای برآورده کردن نیازهای غذایی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع استفاده از مواد غذایی نیز ناظر بر استفاده درست زیستی از مواد غذایی می‌باشد و به وضعیت تغذیه‌ای و بهداشت افراد بر می‌گردد. این مؤلفه امنیت غذایی به میزان زیادی به دانش و ارتقای آگاهی رفتار تغذیه‌ای اعضای خانوارها به ویژه زنان در خصوص تکنیک‌های پردازش و ذخیره مواد غذایی، اصول تغذیه و مدیریت در خانوار بر می‌گردد (هاشمی، شولر و ریلی، ۲۲، ۱۹۹۶).

### ۴. یافته‌ها

#### ۴.۱. یافته‌های توصیفی

- بررسی ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای زنان روستایی مورد مطالعه

## ۴.۴. یافته‌های تحلیلی

- بررسی وضعیت ابعاد توانمندی اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی زنان در بهبود امنیت غذایی خانوار به منظور بررسی وضعیت ابعاد توانمندی اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان مورد مطالعه از آماره میانگین استفاده شد. نتایج این بخش در جدول شماره ۲ آورده شده است. براساس نتایج جدول شماره ۲ می‌توان گفت که وضعیت ابعاد توانمندی زنان (اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی) در شهرستان دیواندره در بهبود امنیت غذایی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد چرا که میانگین هر یک از ابعاد کمتر از حد متوسط (۲/۵ از ۵) می‌باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که میانگین سن زنان روستایی مورد مطالعه ۴۳/۶۹ با انحراف معیار ۱۱/۳۱ سال بود و آن‌ها در دامنه سنی ۲۴ تا ۷۱ سال قرار داشتند، نتایج نشان داد که میانگین پس‌انداز شخصی زنان روستایی شهرستان مورد مطالعه ۵۵۱/۳۸ با انحراف معیار ۷۷۳/۷۵ هزار تومان در سال می‌باشد. همچنین، میانگین سابقه فعالیت زنان روستایی در کشاورزی ۱۶/۲۳ با انحراف معیار ۱۰/۱۱ سال بود علاوه بر این نتایج حاکی از آن است که میانگین بعد خانوار در میان زنان روستایی مورد مطالعه ۵/۸۹ با انحراف معیار ۲/۳۴ نفر بود و میانگین درآمد سالیانه خانوار زنان روستایی شهرستان دیواندره ۹/۳۵ با انحراف معیار ۴/۲۳ میلیون تومان بود.

## جدول ۲- بررسی وضعیت توانمندی‌های زنان روستایی در بهبود امنیت غذایی و ابعاد آن

(مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲)

رتبه	انحراف معیار	میانگین	شاخص‌ها
۱	۱/۲۱	۳/۲۵	- مشارکت در فعالیت‌های تولیدی
۲	۱/۱۳	۳/۱۱	- دسترسی به منابع مالی و تولیدی خانوار
۳	۱/۶۷	۲/۲۵	- کنترل بر منابع مالی و تولیدی خانوار
-	۱/۳۸	۲/۳۵	* توانمندی اقتصادی
۱	۱/۰۸	۳/۳۸	- مشارکت در تصمیم‌گیری خانوار
۲	۱/۳۲	۲/۲۵	- عضویت در تشکل‌ها
۳	۱/۳۲	۲/۰۸	- همکاری و تعاون با اهالی روستا
۴	۱/۱۲	۱/۸۷	- مشارکت در ارتقاء امنیت غذایی
-	۱/۸۳	۲/۴۷	* توانمندی اجتماعی
۱	۱/۱۸	۲/۲۵	- میزان اعتماد به نفس زنان
۲	۱/۱۲	۲/۲۱	- میزان خود اثربخشی زنان
۳	۱/۳۳	۲/۱۴	- ادراک زنان نسبت به قدرت فردی
۴	۱/۲۱	۲/۰۹	- نگرش جنسیتی به کار
-	۱/۱۶	۲/۱۶	* توانمندی روان‌شناختی

وعده‌های غذایی متعادل و متناسب» و «کافی نبودن مواد غذایی خریداری شده و ناتوانی در خرید غذا» از مواردی بود که در دوازده ماه گذشته برای خانوارهای مورد مطالعه بیشتر اتفاق افتاده و موارد «کاهش وزن به علت نخوردن غذای کافی» و «کاهش تعداد یا میزان وعده‌های غذایی بچه‌ها» نسبت به سایر موارد برای خانوارهای روستایی کمتر اتفاق افتاده است.

- بررسی وضعیت امنیت غذایی در جامعه روستایی شهرستان مورد مطالعه:

به منظور اولویت‌بندی گویه‌های سنجش امنیت غذایی از دیدگاه زنان روستایی مورد مطالعه از آماره ضریب تغییرات استفاده شد. نتایج این قسمت در جدول شماره ۳ آورده شده است. با توجه به این که اطلاعات پرسشنامه براساس دوازده ماه گذشته بود؛ بنابراین، می‌توان گفت که موارد «ناتوانی در تهیه



## جدول ۳- اولویت بندی گویه های تشکیل دهنده امنیت غذایی خانوار

(مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۲)

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه ها
۱	۵۳/۷	۰/۴۵۴	۰/۸۴۵	- ناتوانی در تهیه وعده های غذایی متعادل و متناسب
۲	۵۹/۷	۰/۴۷۷	۰/۷۹۸	- کافی نبودن مواد غذایی خریداری شده و ناتوانی در خرید غذا
۳	۶۱/۵	۰/۷۵۷	۱/۲۳	- نداشتن مواد غذایی برای خوردن در تمام طول روز
۴	۶۲/۵	۰/۷۱۹	۱/۱۵	- تهیه و تدارک مواد غذایی ارزان قیمت برای بچه ها
۵	۶۵/۳	۰/۷۱۹	۱/۱۰	- حذف شدن تعدادی از وعده های غذایی توسط بزرگسالان
۶	۶۶/۲	۰/۷۴۹	۱/۱۳	- ناتوانی در تهیه وعده های غذایی متعادل برای بچه ها
۷	۶۷/۷	۰/۷۱۱	۱/۰۵	- نگرانی در مورد تمام شدن غذا
۸	۸۱/۵	۰/۶۲۸	۰/۷۷۰	- تغذیه نشدن بچه ها به اندازه کافی
۹	۸۸/۰	۰/۵۶۲	۰/۶۳۸	- به علت عدم توانایی خرید چند بار بچه ها گرسنه مانده اند
۱۰	۱۰۲/۹	۰/۶۳۷	۰/۶۱۹	- احساس گرسنگی نمودن اما چیزی برای خوردن نداشتن
۱۱	۱۰۴/۲	۰/۶۴۵	۰/۶۱۹	- خوردن غذا در هر وعده غذایی کمتر از حد معمول
۱۲	۱۳۴/۸	۰/۳۷۹	۰/۲۸۱	- بچه ها به مدت سه ماه یا بیشتر بعضی از وعده های غذایی را حذف کرده اند
۱۳	۱۳۵/۸	۰/۶۲۵	۰/۴۶۰	- حذف نمودن بعضی از وعده های غذایی بچه ها
۱۴	۱۳۸/۱	۰/۳۳۷	۰/۲۴۴	- بچه ها در طول یک روز غذا نخورده اند
۱۵	۱۵۳/۷	۰/۳۳۲	۰/۲۱۶	- بزرگسالان به مدت سه ماه یا بیشتر در طول تمام روز غذا نخورده اند
۱۶	۱۶۴/۱	۰/۶۵۵	۰/۳۹۹	- حذف نمودن تعدادی از وعده های غذایی بزرگسالان
۱۷	۱۶۹/۱	۰/۶۷۵	۰/۵۴۴	- کاهش تعداد یا میزان وعده های غذایی بچه ها
۱۸	۱۷۵/۱	۰/۶۶۹	۰/۳۹۹	- کاهش وزن به علت نخوردن غذای کافی

گرسنگی، ۱۷/۸۴ درصد نیز ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ۶/۵۹ درصد نیز دارای ناامنی غذایی با گرسنگی شدید می باشند بنابراین، می توان اظهار کرد که خانوارهای روستایی شهرستان دیواندره دارای وضعیت مطلوبی از نظر امنیت غذایی نیستند چرا که ۱۳۵ خانوار (۶۳/۳۹ درصد) در قسمت ناامنی غذایی قرار دارد.

به منظور گروه بندی، وضعیت امنیت غذایی خانوارهای مورد مطالعه از گروه بندی استاندارد وزارت کشاورزی آمریکا استفاده شد (بیکل، مارگارت و بروس، ۲۰۰۸، ص. ۴۸). نتایج این قسمت مطالعه در جدول شماره ۴ آورده شده است براساس نتایج ارائه شده در جدول شماره ۴ می توان گفت که از میان خانوارهای روستایی شهرستان دیواندره تنها ۳۶/۶۱ درصد از آنان دارای امنیت غذایی، ۳۸/۹۶ درصد ناامنی غذایی بدون

## جدول ۴. تحلیل وضعیت امنیت غذایی خانوار براساس دیدگاه پاسخگویان

(مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۲)

جمع	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	سطح
۳۶/۶۱	۳۶/۶۱	۳۶/۶۱	۷۸	امنیت غذایی
۶۳/۳۹	۷۵/۵۷	۳۸/۹۶	۸۳	بدون گرسنگی
	۹۳/۴۱	۱۷/۸۴	۳۸	با گرسنگی متوسط
	۱۰۰	۶/۵۹	۱۴	با گرسنگی شدید
-	-	۱۰۰	۲۱۳	جمع

شماره ۵ آمده است. نتایج اطلاعات مندرج در جدول شماره ۵ حاکی از آن است که بین ابعاد توانمندی زنان (اقتصادی، اجتماعی و روان شناختی) با امنیت غذایی خانوار رابطه مثبت و معنی داری در سطح یک درصد با امنیت غذایی خانوار وجود

بررسی روابط بین ابعاد توانمندی اقتصادی، اجتماعی و روان شناختی با امنیت غذایی خانوار به منظور بررسی روابط بین ابعاد توانمندی زنان (اقتصادی، اجتماعی و روان شناختی) با امنیت غذایی خانوار از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج این بخش در جدول

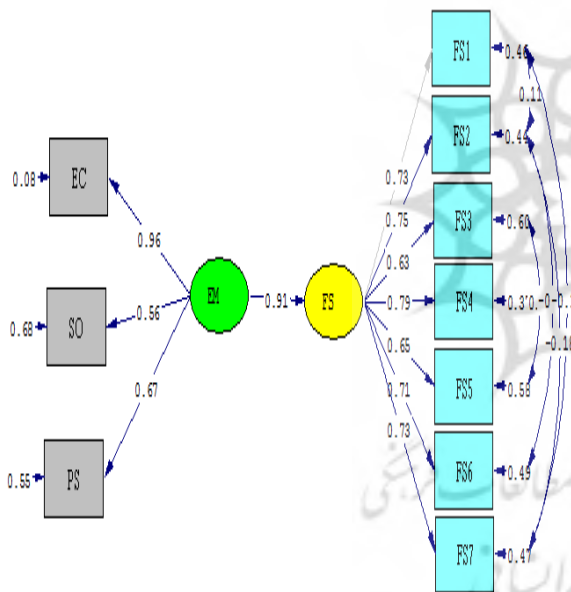
دارد به طوری که با ارتقاء ابعاد توانمندی زنان می‌توان گفت که امنیت غذایی خانوار نیز بهبود می‌یابد.

**جدول ۵. بررسی روابط بین متغیرهای مستقل با امنیت غذایی خانوار**

(مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲)

امنیت غذایی		متغیرهای مستقل
Sig	r	
۰/۰۰۰	۰/۶۱۲**	- توانمندی اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۴۳۶**	- توانمندی اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۳۸۵**	- توانمندی روان‌شناختی
** معنی‌داری در سطح ۱٪		

توانمندی اجتماعی (SO) و توانمندی روان‌شناختی (PS)، بر متغیر مکنون درون‌زا پژوهش یعنی امنیت غذایی (FS) زنان روستایی شهرستان دیواندره در جدول شماره ۶ در ادامه نمایش داده شده است.



Chi-Square=49.07, df=29, P-value=0.01135, RMSEA=0.057

شکل ۱- مدل معادلات ساختاری متغیرهای پژوهش با نمایش

بارهای عاملی استاندارد شده

(مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲)

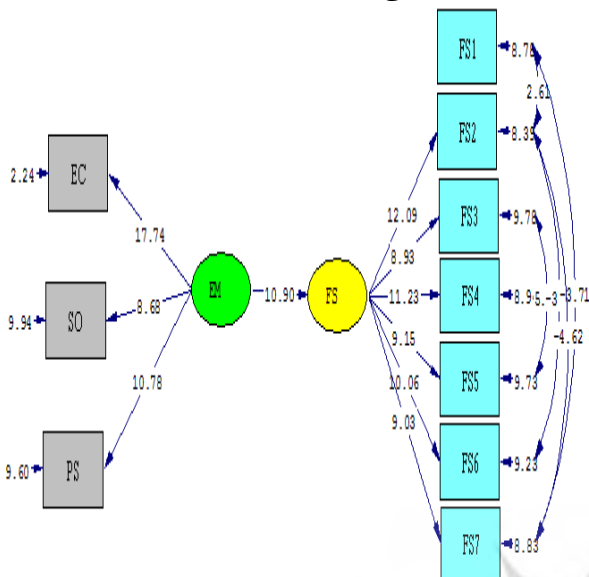
تأثیر توانمندی اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی بر امنیت غذایی خانوار در این پژوهش به منظور بررسی تأثیر مؤلفه‌های توانمندی بر امنیت غذایی در بین زنان روستایی شهرستان دیواندره از روش مدلسازی معادلات ساختاری در قالب تحلیل مسیر استفاده شد؛ بنابراین، مؤلفه‌های توانمندی زنان شامل توانمندی اقتصادی (EC)، توانمندی اجتماعی (SO) و توانمندی روان‌شناختی (PS) بود و امنیت غذایی (FS) که با اصلاحات نرم افزار لیزرل و ضریب تغییرات به هفت مؤلفه کاهش پیدا کرد؛ که این هفت مؤلفه شامل ناتوانی در تهیه وعده‌های غذایی متعادل و متناسب (FS1)، کافی نبودن مواد غذایی خریداری شده و ناتوانی در خرید غذا (FS2)، نداشتن مواد غذایی برای خوردن در تمام طول روز (FS3)، تهیه و تدارک مواد غذایی ارزان قیمت برای بچه‌ها (FS4)، حذف شدن تعدادی از وعده‌های غذایی توسط بزرگسالان (FS5)، ناتوانی در تهیه وعده‌های غذایی متعادل برای بچه‌ها (FS6) و نگرانی در مورد تمام شدن غذا (FS7) وارد نرم افزار لیزرل شدند. مدل ساختاری روابط بین متغیرهای مکنون پژوهش (مؤلفه‌های توانمندی زنان روستایی و امنیت غذایی) با نمایش بارهای عاملی استاندارد شده و شاخص برازندگی را نشان می‌دهد (شکل ۱)؛ و خلاصه اطلاعات مسیر اثر متغیرهای نهفته برون‌زا پژوهش توانمندی اقتصادی (EC)،

**جدول ۶- خلاصه تحلیل مسیر اثر متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته پژوهش**

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

اثر متغیر	بر متغیر	ضریب مسیر <sup>۴</sup>	خطای استاندارد	T	R <sup>2</sup>
توانمندی	امنیت غذایی	۰/۹۱	۰/۰۹	۱۰/۹۰**	۰/۸۳
** معنی‌داری در سطح ۱ درصد					

روانشناختی و توانمندی اجتماعی به ترتیب بیشترین تاثیر را در بهبود امنیت غذایی خانوار دارند.



Chi-Square=49.07, df=29, P-value=0.01135, RMSEA=0.057

## شکل ۲- مدل معادلات ساختاری متغیرهای پژوهش در

### حالت معنی داری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

## ۵. نتیجه گیری و پیشنهادات

دانش و رفتار تغذیه‌ای به هنگام گزینش، آماده‌سازی و توزیع غذا، در بین افراد خانوار، از عوامل کلیدی هستند. استفاده مؤثر از امکانات اقتصادی خانوار، برای ایجاد جامعه‌ای سالم و سازنده، به دانش و رفتار مناسب در سطح خانوار بستگی دارد. این دانش عنصر لازم و اساسی به روش رفتارهای ارتقای سلامت، عادات و رویه‌های سالم غذایی، مراقبت کافی از کودکان، انتخاب‌های غذایی مناسب و به موقع، مدیریت صحیح بودجه خانوار، مشارکت در امور کنترل ضایعات غذایی است بنابراین، آگاهی از مسئله پایداری و تداوم امنیت غذایی، سواد تغذیه‌ای، توانمند کردن خانوارها، مخصوصاً زنان روستایی، از مؤلفه‌های اصلی راهبردهای امنیت غذایی هستند که در این راه، ارتقای مقام زنان و نقش فعال آنان در کسب درآمد و تصمیم‌گیری برای تقسیم منابع خانوار یک راهبرد مثبت و قاطع، در جهت بهبود امنیت غذایی خانوار و تأمین نیازهای بهداشتی و تغذیه‌ای اعضای آن تلقی می‌گردد در راستای این مهم پژوهش حاضر با عنوان بررسی توانمندی زنان روستایی در بهبود امنیت غذایی در شهرستان دیواندره انجام شد. در بررسی امنیت

برای ارزیابی برازش مدل معادلات ساختاری چندین شاخص برازندگی وجود دارد در این پژوهش، با استناد به پیشنهادهای تعدادی از آماردانان از شاخص‌های کای اسکویئر ( $X^2$ )، به همراه معنی داری آن (P)، شاخص برازندگی (GIF)، شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI)، شاخص تطبیقی (CFI)، ریشه میانگین مجذور خطای تخریب (RMSEA) و شاخص میانگین مجذور باقی مانده (RMR)، برای ارزیابی برازندگی مدل معادلات ساختاری پژوهش استفاده شد. هم اکنون معیارهای دقیقی برای این شاخص وجود ندارد، اما دستور کلی زیر در ادبیات مطرح شده است: اگر مقدار  $X^2$  معنی دار نباشد، مقدار شاخص‌های IFI، NNFI، GIF و CFI بالاتر از ۰/۹ باشد مقدار RMSA کمتر از ۰/۰۵ و مقدار RMR کمتر از ۰/۱ باشد برازش مدل مناسب است (آریوکل ۲۵، ۱۹۹۹، بومگارتنر و هامبورگ ۲۶، ۱۹۹۵، صص. ۱۳۹-۱۶۱؛ شووک، کتچن، هالت و کاسمر ۲۷، ۲۰۰۴، صص. ۳۹۷-۴۰۴). بر این پایه، با توجه به مقدار گزارش شده شاخص‌های برازندگی مدل دیده می‌شود که داده‌ها از لحاظ آماری با ساختار عاملی و زیربنای نظری مدل معادلات ساختاری متغیرهای نهفته پژوهش از برازش مناسب و قابل قبولی دارد. جدول ۷ نشان دهنده این است که ضریب مسیر استاندارد شده بین توانمندی زنان و امنیت غذایی خانوار برابر ۰/۹۱ است که در سطح یک درصد معنی دار شده است ( $t = 10.90$ ,  $p = 0.01135$ ). علاوه بر این نتایج ارایه شده در جدول ۷ نشان می‌دهد که ضریب تعیین ( $R^2$ )، امنیت غذایی برابر ۰/۸۳ است. بدین معنی که ۸۳ درصد از تغییرات واریانس غذایی خانوارهای زنان روستایی شهرستان دیواندره توسط مؤلفه‌های توانمندی در بین آنان یعنی توانمندی اقتصادی، توانمندی اجتماعی و توانمندی روانشناختی تبیین می‌شود. به این ترتیب از مباحث فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که؛ توانمندی زنان روستایی شهرستان دیواندره اثر مثبت و معنی‌داری بر امنیت غذایی خانوارها دارد و فرضیه اصلی پژوهش در قسمت تدوین چارچوب نظری پژوهش در اینجا مورد تایید قرار می‌گیرد. در نهایت در شکل ۲ مدل معادلات ساختاری پژوهش در حالت معنی‌داری نشان داده شده است. با توجه به مدل شماره ۲ می‌توان گفت که در میان ابعاد توانمندی زنان روستایی مورد مطالعه بعد توانمندی اقتصادی تاثیر بیشتری در بهبود امنیت غذایی خانوار نسبت به سایر ابعاد دارد. بعد از آن توانمندی

مناسب دولتی امکان حضور زنان در تشکل‌هایی روستایی مانند صندوق تعاونی، صندوق اعتبارات خرد، انجمن‌های زنان و ... صورت گیرد همچنین در این زمینه به سازمان‌های مستقر در روستا و یا سازمان‌های مربوطه با متنوع کردن فعالیت‌های خود و به بکارگیری روش‌های مناسب مانند تشویق آنان به ایجاد انجمن‌ها، تشکل‌ها و گروه‌های همکاری امکان مشارکت زنان را در زمینه‌های مختلف اجتماعی فراهم آورند تا توانمندی اجتماعی آنان افزایش و در نهایت امنیت غذایی خانوارها بهبود یابد.

- با توجه به اینکه بین توانمند اقتصادی زنان روستایی و امنیت غذایی خانوار رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح یک درصد وجود دارد بنابراین پیشنهاد می‌شود که آموزش و کارگاه‌های مناسب در زمینه‌ی انجام فعالیت‌های تولیدی مانند کارگاه‌های قالی‌بافی، صنایع‌دستی، پرورش قارچ، پرواربندی و ... برگزار گردد تا توانمندی اقتصادی آنان افزایش یابد و در نهایت امنیت غذایی خانوار آنان نیز بهبود یابد.

- با توجه به اینکه بعد اقتصادی نسبت به سایر ابعاد توانمندی زنان روستایی در بهبود امنیت غذایی تأثیرگذارتر است بنابراین، پیشنهاد می‌گردد که با حمایت و بسترسازی مناسب از طرف دولت برای راه‌اندازی فعالیت‌های کارآفرینانه و اشتغال مناسب اقدام به توسعه ظرفیت و توانایی‌های زنان روستایی شود چرا که با چنین اقدامی کمک شایانی به بهبود امنیت غذایی خانوارهای روستایی می‌شود.

= با توجه به تأثیر توانمندی روان‌شناختی در بهبود امنیت غذایی پیشنهاد می‌شود که با بکارگیری فعالیت‌های مناسب براساس توانایی و خواسته زنان، داشتن برنامه مشخص و حساب شده برای افزایش اعتماد به نفس آنان و برطرف کردن هر گونه مشکل که می‌تواند بر توانمندی روان‌شناختی زنان تأثیرگذار است تا در نهایت توانمندی روان‌شناختی زنان روستایی بهبود یافته و امنیت غذایی آنان ارتقا یابد.

#### یادداشت‌ها

1. Mahan, Arlin & Krause
2. Omonona & Agoi
3. Mssrf
4. Anemia
5. FAO
6. Doppler
7. Coleman
8. Koenig, Saifuddin, Bazle, & Mozumder
9. Babatunde, Omotesho & Sholotan
10. Mousseau & Institute

غذایی خانوارهای مورد مطالعه نتایج پژوهش نشان داد که موارد «ناتوانی در تهیه وعده‌های غذایی متعادل و متناسب» و «کافی نبودن مواد غذایی خریداری شده و ناتوانی در خرید غذا» از مواردی بودند که در دوازده ماه گذشته بیشتر برای خانوارهای مورد مطالعه اتفاق افتاده و موارد «کاهش وزن به علت نخوردن غذای کافی» و «کاهش تعداد یا میزان وعده‌های غذایی بچه‌ها» نسبت به سایر موارد برای خانوارهای روستایی کمتر اتفاق افتاده بود. در گروه‌بندی خانوارهای مورد مطالعه براساس وضعیت امنیت غذایی نتایج پژوهش نشان داد که اکثریت خانوارهای روستایی شهرستان دیواندره در قسمت نامنی غذایی قرار دارند. همچنین نتایج نشان داد که ابعاد توانمندی زنان روستایی مورد مطالعه در بهبود امنیت غذایی خانوار در وضعیت مطلوبی قرار ندارد چرا که هر سه بعد توانمندی زنان در بهبود امنیت غذایی کمتر از حد متوسط می‌باشد. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که بین ابعاد توانمندی زنان (اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی) با امنیت غذایی خانوار رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح یک درصد با امنیت غذایی خانوار دارند به طوری که با بهبود ابعاد توانمندی زنان می‌توان گفت که امنیت غذایی خانوار نیز بهبود می‌یابد نتایج این بخش با مطالعات (یا و همکاران، ۲۰۰۵؛ آلامو و همکاران، ۲۰۰۱؛ گودرزی و همکاران، ۱۳۸۷) مطابقت دارد. همچنین نتایج معادلات ساختاری پژوهش نشان داد که ابعاد توانمندی زنان روستایی (اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی) تأثیر معنی‌داری بر بهبود امنیت غذایی خانوار دارد همچنین ابعاد توانمندی زنان قادرند ۸۳ درصد از واریانس متغیر وابسته تحقیق (امنیت غذایی خانوار) را تبیین می‌کنند و ۱۷ درصد مربوط به عواملی هستند که در این تحقیق شناسایی نشدند. نتایج این قسمت با یافته‌های (باباتوندی و همکاران، ۲۰۱۰؛ سی، ۲۰۰۱؛ اولسون و همکاران، ۲۰۰۱؛ نورد و همکاران، ۲۰۰۴؛ هلفین و همکاران، ۲۰۰۵) مبنی بر اینکه ابعاد توانمندی اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی تأثیر مثبت و معنی‌داری در بهبود امنیت غذایی خانوار دارند و یا این سه بعد را راستای امنیت غذایی شناسایی کرده‌اند همخوانی دارد. در این راستا با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود که:

- با توجه به این که بین توانمندی اجتماعی زنان روستایی و امنیت غذایی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد بنابراین، پیشنهاد می‌شود که با بکارگیری محرک‌ها و آموزش‌های مناسب از طریق گروه‌های خودجوش محلی با حمایت‌های

- |   |   |
|---|---|
| 21. ICTSD   | 11. Bernstein & Duerst-Lahti                  |
| 22. Hashemi, Schuler & Riley  | 12. Diao, Hazell, Resnick & Thurlow           |
| 23. Bickel, Margaret & Bruce  | 13. See                                       |
| ۲۴. در واقع ضریب مسیر قوت رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را نشان می‌دهد. | 14. Alaimo, Olson & Frongillo                 |
| 25. Arbuckle  | 15. Olson, Anderson, Kiss, Lawrence & Seiling |
| 26. Baumgartner & Homburg   | 16. Nord, Andrews & Carlson                   |
| 27. Shook, Ketchen, Hult & Kacmar   | 17. Heflin, Siefert & Williams                |
|   | 18. Yaa Appoh & Sturkakrekling                |
|   | 19. US Department of Agriculture (USDA)       |
|   | 20. McClendon et al                           |

### کتابنامه

۱. اشرفی، م. (۱۳۶۹). سه دهه توسعه انسانی و چشم‌انداز آن در دهه ۱۹۹۰ نخستین گزارش برنامه عمران ملل متحد درباره دستاوردهای انسانی توسعه. *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۴(۳۷)، ۷۰-۷۷.
۲. ازکیا، م. و غفاری، غ. (۱۳۸۳). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. چاپ اول، تهران: نشر نی.
۳. پیشوایی، ح. و فردین، ه. (۱۳۸۰). کشاورزی ایران، بحران یا امنیت غذایی. *نشریه به هنگام*، ۱۸(۱۴۸)، ۱-۱۸.
۴. پیاب، م.، درستی مطلق، ا.، اشراقیان، م.، سیاسی، ف. و کریمی، ت. (۱۳۸۹). رابطه ناامنی غذایی با برخی عوامل اجتماعی-اقتصادی و تغذیه‌ای در مادران دارای کودک دبستانی شهرستان ری. *مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران*، ۷(۱)، ۷۵-۸۴.
۵. خضری، م. (۱۳۸۲). امنیت غذایی و امنیت ملی. مجموعه مقالات همایش کشاورزی و توسعه ملی - تهران: وزارت جهاد کشاورزی، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۹۰۴-۸۹۳.
۶. دینی ترکمانی، ع. (۱۳۸۲). برآورد امنیت غذایی در ایران و ارزیابی از نحوه مواجهه رویکرد نظری رقیب با ناامنی غذایی. *مجموعه مقالات همایش کشاورزی و توسعه ملی- تهران: وزارت جهاد کشاورزی، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی*، ۹۵۹-۹۶۳.
۷. رابینسون، ل. (۱۳۷۸). *اصول تغذیه*. ترجمه ناهید خلدی، تهران: نشر سالمی.
۸. فرجی سبکبار، ح.، خاکی، ا. و نعمتی، م. (۱۳۸۸). ارزیابی نقش ICT در توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: روستای قرن آباد). *نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران*، دوره جدید، ۷(۲۲)، ۱۷۲-۱۶۰.
۹. سواری، م.، شیر، ن. و کلانتری، خ. (۱۳۹۰). نقش سرمایه اجتماعی در توانمندی سازی زنان روستایی شهرستان دیواندره. *فصلنامه توسعه منابع انسانی*، ۶(۲)، ۱۴۶-۱۲۸.
۱۰. شیخ‌الاسلام، ر. (۱۳۹۱). امنیت غذایی در بحران. *بازیابی در ۲۵ خرداد ۱۳۹۲ از <http://www.www.behite.ir.org>*
۱۱. شرفخانی، ر.، دستگیری، س.، قره آغاچی اصل، ر. و قوام زاده، س. (۱۳۹۰). شیوع و عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی خانوار: یک مطالعه مقطعی (دهستان قره سو، شهرستان خوی). *مجله پژوهشی ارومیه*، ۲۲(۲)، ۱۳۳-۱۲۸.
۱۲. علی شاهی، م.، بهرامی، م.، مهنه، ف. و سلطانی، س. (۱۳۸۶). زنان روستایی، امنیت غذایی و اقتصاد کشاورزی. *ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*، ۲۶-۱۳.
۱۳. صفر خانلو، ا. و محمدی نژاد، ا. (۱۳۸۹). بررسی اثر ضایعات نان بر خط فقر و شاخص امنیت غذایی خانوارهای شهری و روستایی ایران طی سالهای ۱۳۸۰-۸۶. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۹(۵۷)، ۷۸-۵۳.
۱۴. سن، آ. (۱۳۷۴). *اکنون کدام راه را باید برگزید؟ الگوی نظری در اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر دیدار.
۱۵. کشاورز، ع. (۱۳۸۹). *نقدی بر توزیع غذا در ایران*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۶. گودرزی، ف.، شادی طلب، ژ. و طالب، م. (۱۳۸۷). *عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در جامعه روستایی (مطالعه موردی دهستان پیر شهرستان خرم آباد)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده)، تهران: دانشگاه تهران
۱۷. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۱). *اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای روستایی و شهری ایران سال ۱۳۸۸*. بازیابی در ۳ مرداد ۱۳۹۲ از <http://sanameh.Sci.org.ir/Alluser/DirectoryTreeComplete.aspx>
۱۸. هانت، د. (۱۳۷۶). *نظریه‌های اقتصاد توسعه، تحلیلی از الگوهای نظری رقیب*. ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر نی.

19. Arbuckle, J. L. (1999). *Amos (version 4.01) [computer software]*. Chicago: Small Waters.
20. Alaimo, K., Olson, C. M., & Frongillo, E. A. (2001). Low family income and food insufficiency in relation to overweight in US children: is there a paradox?. *Archives of pediatrics & adolescent medicine*, 155(10), 1161-1167.
21. Baumgartner, H., & Homburg, C. (1995). Applications of structural equation modeling in marketing research: A review. *International Journal of Research in Marketing*, 13, 139° 161.
22. Babatunde, R. O., Omotesho, O. A., & Sholotan, O. S. (2007). Socio-economic characteristics and food security status of farming households in Kwara state. North-central Nigeria, *Pakistan Journal of Nutrition*, 6(1), 49-51.
23. Bernstein, M. & Duerst-Lahti, G. (2011). Fair Trade Cooperatives and Women's Empowerment: Impacts for US Policy on Food Security. Paper presented at the Annual Meeting of the Southern Political Science Association, New Orleans, January 6-8, Pp.1- 22.
24. Bickel, G. Margaret, A., & Bruce, K. (2008). *Measuring Food Security in the United States: A Supplement to the CPS. in Nutrition and Food Security in the Food Stamp Program*. Editors, D. Hall and M. Stavrianos. Mathematica Policy Research, Inc., Washington, DC.Pp: 48.
25. Doppler, W. (2002). Farming and Rural Systems Approaches. Published Lecture Material, Hohenheim, Pp: 12.
26. Diao, X., Hazell, P., Resnick, D., & Thurlow, J., (2007). *The Role of Agriculture in Development: Implications for Sub-Saharan Africa*. Research Report 153, International Food Policy Research Institute, Washington, DC,152-173
27. Food and Agriculture organization (2008 a).High food prices to blame ° economic crisis could compound woes, Retrieved March 3, 2013, from <http://www.Fao.Org/news/story/8836/icode/>.
28. FAO (2001). The state of Food insecurity in the world 2001 (SFI), Food and agricultural organization for United Nation, Rome, P 4.
29. Heflin, C. M., Siefert, K., & Williams, D. R. (2005). Food Insufficiency and Women's Mental Health: Findings from a 3-Year Panel of Welfare Recipients. *Journal of Social Science and Medicine*, 61(9), 1971-1982.
30. Hashemi, S., S. Schuler & A, Riley, (1996). Rural credit programs and women empowerment in Bangladesh. *Journal of World development*, 24(4), 635-653.
31. ICTSD, How do food prices affect producer and consumer in Developing countries? In information Note, Genva: international Center for trade and Sustainable Development, No10, September 2009, P 2.
32. Koeing, A. M., Saifuddin, A., Bazle, H., & Mozumder, KH. (2003). Women s Status and Domestic Violence in Rural Bangladesh Individual and Community Level Effects. *Journal of Demography*, 40(2), 117-125.
33. Mahan, L., Arlin, K., & Krause, M. (1992). *Food Nutrition and Diet Therapy*. 8th ed. New York: W.B. Saunders.
34. Mssrf, M.S. (2004). Swaminathan Research Foundation, Centre for Research on Sustainable Agricultural and Rural Development, World Food Programme. Atlas of the Sustainability of Food Security in India, Pp. 294. Retrieved April 25, 2013, from [http://openlibrary.org/b/OL3333082M/Atlas of the sustainability of food security in India](http://openlibrary.org/b/OL3333082M/Atlas_of_the_sustainability_of_food_security_in_India) (accessed 25.09.09).
35. Mousseau, F. Institute, O. (2005). Impact of market access on food security ° application of food factor analysis. Pakistan. *Journal of social Sciences (pjss)*, 11(2), 4-11.
36. McClendon, B. (1998). The Paradigm of Empowerment. *Journal of the American planning Association*, 59(2), 145-147.

37. Nord, M., M. Andrews., & S. Carlson. (2004). Household Food Security in the United States, 2003, Food Assistance and Nutrition Research Report Number 42. United States Department of Agriculture. *Journal of Economic Research Service*, 42(1), 124- 143.
38. Omonona, B. T., & Agoi, G. A. (2007). An Analysis of Food Security Situation among Nigerian Urban Households: Evidence from Lagos State. Nigeria. *Journal of Central European Agriculture*, 8(3), 397- 406.
39. Olson, C. M., Anderson, K., Kiss, E., Lawrence, F.C., & Seiling, S. B. (2004). Factors Protecting Against and Contributing to Food Insecurity among Rural Families. *Journal of Family Economics and Nutrition Review*, 16(1), 12-20.
40. Rekha. M. (2003). From Development to Empowerment: The Self-Employed Women's Association in India. *International Journal of Politics, Journal of Culture & Society*, 16(1), 351-368.
41. Shook, C. L., Ketchen, D. J. Jr., Hult, G. T. M., & Kacmar, K.M. (2004). An assessment of the use of structural equation models in strategic management research. *Journal of Strategic Management*, 25(4), 397° 404.
42. See, G. (2001). Empowering Women to Achieve Food Security Law and Legal Reform. International Food Policy Research Institute, Pp: 12. Retrieved May 15, 2013, from <http://www.ifpri.org/publication/empowering-women-achieve-food-security?print> http.
43. USDA Food Security Module (2008). *To Measuring Household Food Security*. Retrieved July 8, 2013, from <http://www.sciencedirect.com/science>.
- Yaa Appoh, L., & Sturkakrekling, M. (2005). Maternal nutritional Knowledge and child nutritional. Status in the Volta region of Ghana. *Journal of maternal child Nutrition*. 1(2), 100-110.

## Rural Women's Empowerment in Improving Household Food Security in the Divandarreh County

Moslem Savari<sup>1</sup> - Hosien Shabanali Fami\*<sup>2</sup> - Zhila Daneshvar Ameri<sup>3</sup>

1- Ph.D. Student in Agricultural Development, University of Tehran, Tehran, Iran.

2- Associate Prof., Agricultural Development & Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

3- Assistant Prof., Agricultural Development & Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 22 Mar 2014

Accepted: 5 Jun 2014

### Abstract

**Purpose:** Considering the important role of rural women in food security, the main purpose of this study is to study the rural women's empowerment in improving household food security.

**Method:** The research data was collected through questionnaires filled out by rural married women in Divandareh County. Based on random sampling, 213 of them were selected. The validity of questionnaire was confirmed by the panel of food security experts and faculty members of management and agricultural development department in university of Tehran, and its reliability was confirmed by Cronbach's Alpha coefficient and composite reliability.

**Results:** The results can be concluded that the rural households have not been in suitable conditions in terms of food security. Also the results of Correlation analysis showed that among all dimensions of rural women s empowerment (economic, social & psychological) with food security of their family were significantly correlated. In addition, the results of structural equation modeling showed that dimension of rural women s empowerment with the coefficient of determination 0.83 (  $r=0.72$ ,  $t=7.12$ ) had positive and significant effect on the food security of the family.

**Practical implications:** Due to rural women' financial weakness, it is strongly suggested that financial supports will be dedicated to improvement of rural women's empowerment, and their access to credits through creation and development of rural credit cooperatives and microfinance institutions that provide small loans to rural poor with little income or collateral.

**Original/value:** In this study rural women s empowerment in different dimensions that is contribute to improve food security were identified. The results of the study could be considerably helpful to rural development planners and policy makers for improving food security in rural communities.

**Keywords:** Food security, empowerment women, nutritional status, rural women, Divandarreh County.

### How to cite this article:

Savari, M., Shabanali Fami, H. & Daneshvar Ameri, Zh. (2015). Rural women's empowerment in improving household food security in the Divandarreh County. *Journal of Research & Rural Planning*, 3(8), 107-121.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/33836>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495